

هفتاد دریچه

به گستره فرهنگ، ادب، هنر و زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان

در روزگاران کهن

جلیل دوستخواه

سده دوم میلادی با برگردان و یادداشتهای دکتر جلال خالقی مطلق است که در سال ۱۳۸۶ از سوی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در تهران نشر یافت.

این دفتر لاغراندام - هم به دلیل انصافمداری و بیطرفی نسبی نویسندهاش در مورد ایرانیان و هم به سبب دقت و موی شکافی گزارنده دانشمندش - در زمینه موضوعی خود، اثری مهم و کلیدی و بازبردی به شمار می‌آید و گره بسیاری از چیستانهای فروبسته را می‌گشاید و به پرسشهای از دیرگاه فراروی درهای بسته، معلق مانده، پاسخ سزاوار و خُرسندکننده می‌دهد.

درون مایه کتاب اِثْنائیس، گفتمانهای گوناگونی در زمینههای فرهنگی، فلسفی، تاریخی و جامعه‌شناختی بوده که گزارنده، هفتاد فقره وابسته به ایران را از میان آنها برگزیده و عنوان *ایرانیات* بدانها داده و از روی ترجمه آلمانی این اثر، به فارسی برگردانده است. اما برتری چشمگیر این گزارش، نسبت به یک برگردان ساده متن، افزودن ۳۳ صفحه یادداشت (در ۳۱۶ شماره) بر ۶۲ صفحه گزارشهای برگزیده از اثر مؤلف یونانی، از سوی گزارنده است.

دکتر خالقی مطلق در این یادداشتها، همه ابهامهای متن را روشن کرده و بر موردهای نارسایی و نادرستی، انگشت گذاشته و جایگزین درست و پذیرفتنی آنها را - در سنجش با خاستگاهها و پشتوانه‌های معتبر ایرانی و جز ایرانی - به دست داده است تا خواننده در برخورد با متنی چنین کهن و دور از فضای فرهنگی این روزگار، سردرگم نشود و دچار لغزش و گرفتار دُر آگاهی نگردد.

ارزش والای دیگر این یادداشتها، فراگیری آنها بر شناختنامه شمار زیادی از بزرگان اندیشه و دانش و فلسفه و فرهنگ یونان است که هیچ پژوهنده و جستارگر در گستره فرهنگ ایرانی و انسانی از آن بی‌نیاز نیست.

انتشار این دفتر، در غیاب بیشتر داده‌های آن در خاستگاههای محدود ایرانی، غنیمتی است ارزنده برای همه دوستداران فرهنگ کهن این مرز و بوم و باید آن را ارج گذاشت و برگزاردنده فرزانه و دلسوز آن، درود و آفرین گفت.

ایرانیات در کتاب بزم فرزندگان. اِثْنائیس. برگردان و یادداشتها: جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶. ۱۲۲ ص.

با اندوه و دریغ بسیار باید بپذیریم که ما ایرانیان، در کار نگاهبانی از مرده‌ریگ گذشتگانمان و ثبت و ضبط جزء به جزء کنشهای فردی و اجتماعی آنان - که می‌توانست رهنمون روشنگر ما به هزارتوی زمانهای سپری شده و بازنگشتنی باشد - کوتاهی نابخشودنی کرده‌ایم و این خویش‌کاری بایسته فرهنگی و ملی در ذهن و ضمیر ما نهادینه نشده است.

برآیند این بی‌پروایی و ناخوبیش‌کاری، همین است که ما از فراروند زندگی پیشینیانمان - نه تنها در هزاره‌ها و سده‌های دور، بلکه در دوره‌های تاریخی نزدیکتر و حتی معاصر - آگاهی‌های چندان دقیق و درست و پذیرفتنی نداریم و همواره آسان‌گیرانه، به کلی‌گویی‌های مبهم، خُرسند بوده و سرگرم مانده‌ایم!

بی‌سبب نیست که دانشمند تاریخنگار روزگارمان دکتر پرویز رجبی، عنوان دو مجموعه بزرگ پژوهشهای تاریخی خود را *هزاره‌های گمشده و سده‌های گمشده* گذاشته است.

در نتیجه همین اهمال گذشتگان و اکنونیان، همواره ناگزیر بوده‌ایم و هستیم که جای خالی گزارشهای بومی و درون‌خانگی را با برداشتهای جسته‌گریخته و نارسا و گاه حتی غرض‌آلود جز ایرانیان پر کنیم. جدا از آنچه پژوهندگان و مترجمان ایرانی سده‌های دور پیش و پس از اسلام در این زمینه کرده‌اند - و ما هنوز هم کم و بیش از آنها برخورداریم - از دو سده پیش بدین‌سو، شماری از اهل فرهنگ به کار ترجمه و انتقال داده‌های پژوهشهای جزایر ایرانی درباره ایران و ایرانیان به زبان فارسی و گستره فرهنگ ایرانی، سرگرم بوده‌اند و هستند. بررسی و نقد و ارزیابی درون‌مایه یکایک این کارها، همانا فرصت ویژه‌ای می‌خواهد.

یکی از تازه‌ترین و فرهیخته‌ترین کارها در این زمینه، *ایرانیات در کتاب بزم فرزندگان*، نوشته اِثْنائیس، دانشور و پژوهنده یونانی